

---

## رقص هند

---

۴

نگارش: روح الله خالقی

رئیس هنرستان موسیقی ملی

پرونده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

رقصهای محلی یکی از هنرهای فولکلوریست

رقصهای فولکلوری همچون خنده کودکان، ساده و

بی تکلف است و نیازی به توضیح و تفسیر ندارد. محیط

رقصهای محلی

طبیعی و اوضاع جغرافیایی تأثیر بسیار در نشوونمای این رقصها داشته است.

همانطور که اهالی جلگهها زندگانی یکنواخت ساکنی دارند، رقص آنها

هم آرام و ملایم است در صورتیکه مردم کوه نشین و کوهستانهای جنگلدار

و پر برف همواره با انقلابات جوی دست بگریباندند و برای حفظ جان خود و

پرندگان و چهارپایان اهلی خویش از حملات ناگهانی درندگان در تشویش

خاطر بر میبرند . پس رقص آنها هم تند و خشن است و این آشفته‌گی و بی‌آرامی را بخوبی جلوه گر میسازد .

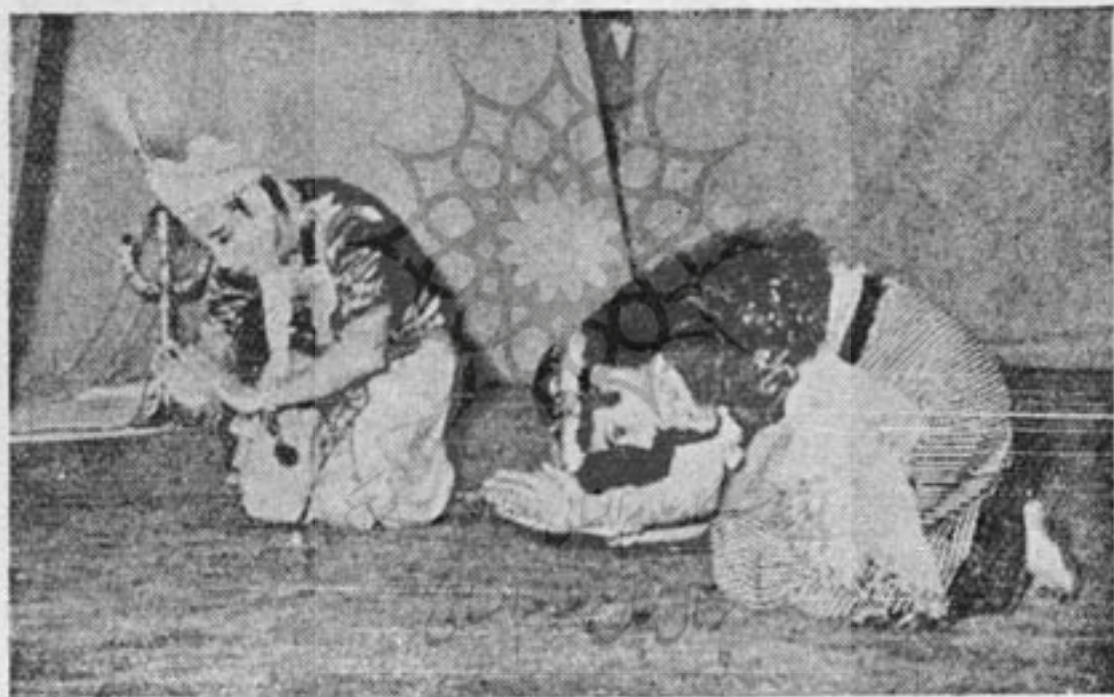
کشور پهناور هند که از لحاظ طبیعی بسیار متنوع و دارای انواع آب و هوا میباشد از جهت رقصهای محلی نیز گنجینه پر بهائیت . مسافری که سراسر این شبه قاره را می‌پیماید در هر جا با چیزهاییکه خاصیت محلی دارد آشنا میشود که از آنجمله تنوع بسیار رقصهاست و چنانکه خوب دقت کند تاثیر محیط طبیعی را در این هنر ملی نیک درمییابد . از جمله رقص مردم گجرات معرف ملایمت هوا و زندگی آرام است . رقص ساکنان پنجاب نیرو دهنده و جسور است . رقص اهالی سانتل (Santhel) در نزدیکی «شان تی نی کنان» زندگی بدوی و ساده مردمی را مجسم می‌کند که هنوز تیر و کمان بدست دارند . رقص آلمورا (Almora) در «سیملا» شبیه راه پیماییست زیرا اهل آن سامان همواره در حال بالا و پائین رفتن از تپه‌ها میباشند جنگل نشینان، حرکات حیوانهای وحشی مانند فیل و ببر و شیر را نشان میدهند . استان مانیپور



رقص محلی مردم مادیا پرادش

کوهستانپست و جنگلهای مخوف و رودخانه‌های خروشان دارد . در آنجا طوفانهای سهمناک، درختان را ریشه کن میکند و همین آثار در رقصهای مردم آن ناحیه دیده میشود که نشانه‌ای از وزش باد و تکان خوردن درختها و انقلابات جوی است .

«اودی شنکر» میگوید تمام مردم هند برقص آشنائی و علاقه دارند. هشتاد و پنج درصد هندیان کشاورزند بنا برین تمام رقصهای محلی در دهات و حومه شهرها نشو و نما یافته است. ذنهای دهاتی خلخالهای زنگدار بپا میکنند و در هنگام راه رفتن از حرکت پای آنها وزنی ایجاد میشود که خود رقص را موجب میشود. بهمین جهت است که مردم روستا آشنائی دیرین بوزن دارند و آلات ضربی آنها شامل انواع طبل است. در رقصهای محلی هند تأثیر بسیار از رسوم و عقاید مذهبی دیده میشود و افسانه‌ها و داستانهای تاریخی درین هنر ملی اثری بس بزرگ داشته است چنانکه بعد گفته خواهد شد نمونه‌هایی از رقص‌های مذهبی در بیشتر نقاط مورد اجرا گذارده میشود.



#### يك نوع رقص مذهبی

اکنون باید گفت که رقصهای ابتدائی نوعی است از ابراز احساسات موزون که بطیب خاطر، در موقع نبرد و یا بهنگام تشریفات مذهبی انجام میشود. وقتی که این رقصها بیشتر پرورش مییابد رقصهای محلی نام میگیرد و هنگامی که رقصهای توده‌های ملت در اثر شهر نشینی و تمدن بصورت لطیف‌تری درمیآید و جنبه فنی پیدا میکند رقص کلاسیک نامیده می‌شود.

رقصهای محلی بمنظور ابراز احساسات فردیست و جنبه نمایشی ندارد یعنی آنها که میرقصند تنها بخاطر خوشی خود حرکات موزونی انجام میدهند و آموزگاری جز ذوق طبیعی نداشته اند در صورتیکه مقصود از رقص کلاسیک، هنرنمایی هنرپیشه برای خوشی خاطر تماشا کنندگانست و مریبان این فن، هنرپیشگان را برای این کار آماده می کنند. رقص محلی در فضای آزاد طبیعت بی هیچگونه تکلف عملی میشود ولی رقص کلاسیک در صحنه نمایش جلوه مینماید. پس رقص محلی طبیعی و آزاد و رقص کلاسیک، ساختگی و آراسته است.



رقص محلی راجستان

اجرا کنندگان و تماشاچیان رقصهای محلی از هم جدا نیستند و همه یک واحد را تشکیل میدهند. درین رقصها که نیمی از شب را فسر میگیرد شرکت کنندگان بیمل و رغبت در آمد و رفتند یعنی عده ای میروند و دسته ای دیگر جای آنها را میگیرند. در صورتیکه یک باله کلاسیک بیش از دو ساعت و نیم در صحنه نمایش بطول نمی انجامد و همه کارهای آن با عده اجرا کننده، قبلا آماده و تمرین شده است ولی در رقص محلی آمادگی قبلی موردی ندارد

و همه را طبیعت برای این کار مهیا نموده است. نکته دیگر اینکه رقص محلی حس همکاری و شرکت دسته‌جمعی را در روستائیان پرورش می‌دهد و ذوق شنوایی موسیقی و تشخیص وزن را هم ترقی میدهد در صورتیکه در باله کلاسیک، تنها اجراکنندگان با تحصیل و تمرین و ممارست و راهنمایی استادان فن این نکات را درک می‌کنند و جماعت تماشاچی درین تمرین شرکتی ندارند.

حرکات و ژست‌های اساسی این رقص‌ها تقلید است از کارهای روزانه مردم روستا. چنانکه روستائیان طوری دست و پای خود را به‌نگام رقص به حرکت در می‌آورند که هر کس بخوبی متوجه میشود که در حال درو کردن هستند و شکار می‌کنند یا نخ می‌تابند و جامه می‌بافند یا از چاه آب میکشند و یا حرکات پرندگان و حیوانات وحشی را تقلید مینمایند.

هر چند رقصهای محلی پیرایه‌ای ندارد اما زیبایی بیشائبه آن دارای لطفی مخصوص است که از لحاظ هنر توده‌ای شایان توجه بسیار میباشد. زیرا رسوم و آداب مردمی ساده که تظاهر شهرنشینان را ندارند از خلال حرکات دلنشین آن آشکار است و این رقصها مانند دیگر هنرهای فولکلوری آئینه تمام‌نمای افکار ملت‌هاست که از نظر توده‌شناسان دارای اهمیت بسیار است.

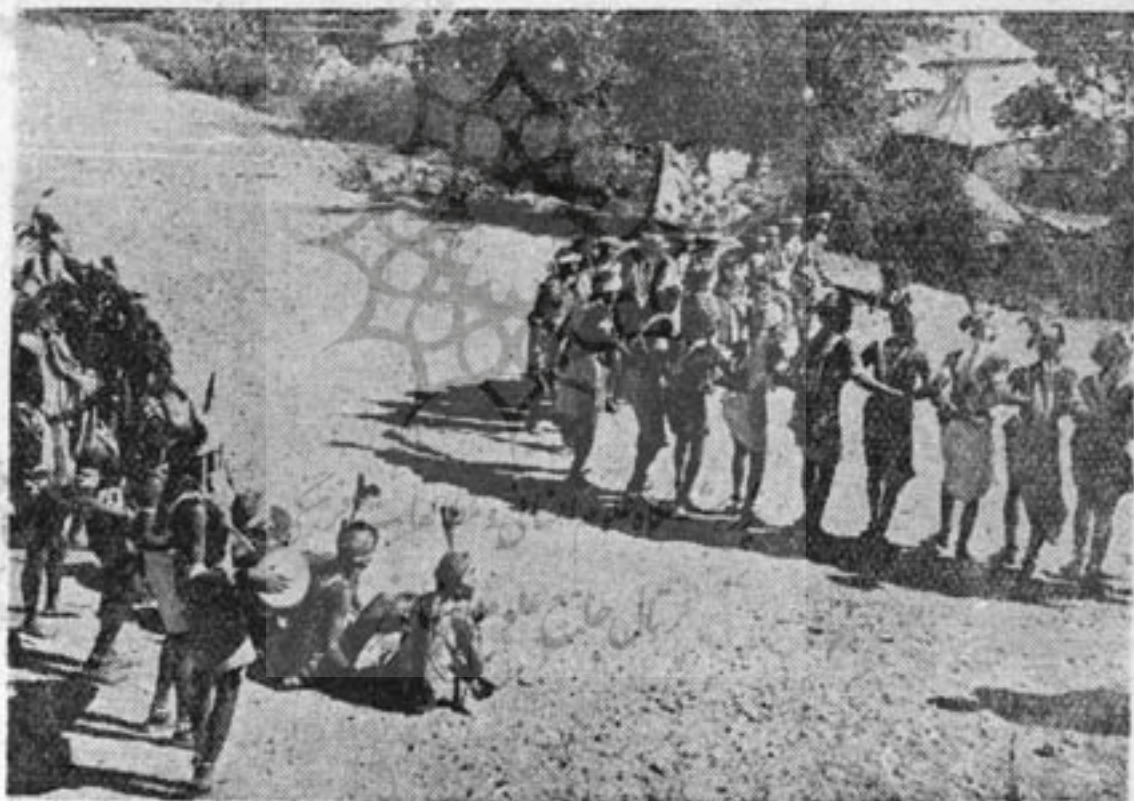
رقصهای محلی دو نوع است: رقص زنان و رقص مردان و کمتر زنان و مردان باهم میرقصند. از جهت دیگر میتوان آنها را بسه دسته زیر تقسیم کرد:

- ۱- رقصهای رزمی و پهلوانی ۲- رقصهای تفریحی و نیمه مذهبی مربوط به جشن‌ها و عیدها ۳- رقصهای مذهبی. اینک رقصهای محلی نواحی مختلف هند را شرح میدهیم:

جنوب هند رقصهای متعدد دارد و مذهب در پرورش رقصهای دکن آنها تأثیر بسزا داشته است. چنانکه سابقاً اشاره شد مکتب بهاراتاناتیام نیز در همین جا پیدا شده و در سایر نقاط هند معمول گردیده است که آنهم از قدیمترین مکتب‌های رقص بشمار میرود. همچنین مکتب کاتاکالی در جنوب هند بکمال زیبایی خود رسیده است. گذشته از رقصهای کلاسیک، از جمله رقصهای محلی دکن رقصی

است بنام Kilatam که در Tanjor متداولست . درین جادختران برای اجرای این رقص که جنبه مذهبی دارد اشتیاق فراوان نشان میدهند . این رقص در محلی مقدس در اطراف بت یا چراع نذری انجام میگردد . دختران دایره وار میرقصند و کف میزنند و سرود میخوانند و اگر بتوانند از نوازنده ای که نوعی آلت ضربی بنام دهلك مینوازد کمک میگیرند و از نظر اینکه رقص در موقع تشریفات مذهبی یا هنگام خرمن کوبی و درو کردن بکار رود حرکات مختلفی متناسب باموضوع دارد .

در «مالابار» رقصی بنام کومی (Kummi) معمولست . حرکات این رقص نیز شبیه درو کردن است . زنهای لامبادی (Lambadi) همراه بارقص، آوازه های یکنواخت میخوانند . مردم (Trichinopoly) بهترین سرگرمی را در دایره کردن مجالس رقص می دانند . درین جا مردان و زنان در دسته های



#### رقص محلی مادیا پرادش

جدا گانه میرقصند و جلسه رقص که شب هنگام آغاز می شود تا بامداد ادامه دارد .  
 ۱ - این کلمه فارسی که بمعنی دهل کوچک است عیناً در هند مورد استعمال

دارد .

یکی دیگر از نمونه‌های رقص مردم «مالابار» چنین است که دختران دایره‌وار میرقصند و یکی از آنها آهنگی را بتنهائی میخواند و دیگران برگردان‌دا میسرایند و این کار بنوبت تکرار میشود و هرچه بیشتر طول بکشد هرگز رقصان ابراز خستگی نمیکنند.

زنهای Malkanagiri و Nandapuram در رقصهای دایره‌مانند مهارتی بسزا دارند و درحالی که دست‌ها را بشانه یکدیگر تکیه می‌دهند بسیار باسلیقه و چالاک میرقصند و همگی «ساری» سفید پاکی بتن دارند. صدای طبل، آغاز رقص را اعلام میکند و دختران بتدریج دایره‌هائی تشکیل میدهند و همین که آهنگ طبل ملایم میشود دایره‌ها بخطوط طولانی تبدیل میگردد. رهبر هر یک از خطوط، پری از طاوس بدست دارد و افراد دست خود را راهنمائی میکند. رقصان، خلخالهای زنگ‌دار پیادارند که بطرزی موزون بصدا می‌آورند و درحالی که آواز میخوانند خطوط رقص را باشکال پیچ و خم دار و مارپیچ و منحنی و دسته‌های هشت نفری در می‌آورند و دوباره درخط مستقیم قرار میگیرند و چنان باین کار عادت کرده‌اند که هرگز دوچار اشتباه نمیشوند. حرکات آنها بجنبش شبیه مارهای خوش‌نقش و نگار است که بآرامی انجام میگیرد و بتدریج که وزن موسیقی تندتر میشود، رقص آنها شور پیدا میکند و کم‌کم بجدا کثر سرعت میرسد تا اینکه زنجیرهای رقص در میان شادی و خنده بسیار از هم گسسته رقص پایان میرسد.

رقصهای رزمی یادگاری از دوران قدیم است و هنوز هم در میان بعضی از بومیان دیده میشود. از جمله قبیله Bhill نمونه‌ای از این نوع رقص‌ها دارند که ظاهراً شباهت زیادی هم برزم حقیقی ندارد و تنها اثری که از جنگ در آن دیده میشود نیزه‌هائست که رقصان بدست میگیرند. اهالی Khond و Savara نیز نظیر چنین رقصی دارند که جز در پا کوبیدن مهارتی دیگر از خود نشان نمیدهند. در بعضی قبایل، زنان در وسط میایستند و مردان بدور آنها جست و خیز میکنند درحالی که خلخالهای خود را بصدا در می‌آورند و دست‌ها حرکت میدهند.

در ناحیه Godavari نوعی از نمایش عروسک و خیمه‌شب‌بازی دارند که هر چند ارتباط مستقیم با رقص ندارد ولی حرکات عروسکها بسیار موزون

۱ - ساری جامه بلند است که زنان هند میپوشند.



### رقص محلی راجستان

است. این عروسکها در پشت پارچه نازکی قرار دارند و طوری بحرکت میآیند که سایه آنها بکمک چراغی که در عقب پرده است بروی پارچه میافتد.

مهمترین رقص این استان، رقص مانپوری است که سابقاً شرح آن گذشت. از رقصهای محلی باید رقص

### رقص آسام

Assam

باکسورا (Bakassura) را نام برد که داستان کشتن

پرندهای از نوع درنا (کلنگ) را بوسیله کریشنا

نشان میدهد. البته این پرنده، شریر بوده و باین جهت مورد بی مهری واقع

شده است زیرا هندیان نسبت به پرندگان و حیوانات بسیار مهربان هستند.

در هر حال برای مجسم کردن این افسانه، پرندهای بشکل درنا از پارچه درست

میکند و آنرا در روی چهار چوب بزرگی قرار میدهند و برای اینکه شرارت

اورا نشان دهند چشمهای او را بوضع شررباری در میآورند و دودندان تیز

بلند چوبی هم برای او میگذارند و این چهار چوب را یکی ازرقاصان طوری

روی دوش میگیرد که دوبای او ساقهای پرنده را نشان میدهد. اجرا کنندگان



این رقص، پسران هستند و موسیقی آن از طبلی بنام Khol و یک جفت سنج موسوم به Khanjani تشکیل میشود.

در Darang رقصی بنام Baissakh Bihu معمولست که در آخرین روز ماه چیترا (Chaitra) که مصادف با چهاردهم آوریل است در جشن آغاز سال با آواز و مبادله هدایای دوستانه انجام میگردد. درین روز، گاوهارا با مخلوطی از روغن و برنج و زردچوبه تدهین میکنند و بنزدیکترین رودخانه برای شستشو میبرند. روستائیان دسته دسته با جامه های نو از خانه ای به خانه دیگر میروند که دوستان و خویشان خود را ملاقات کنند و با آنها در خوردن میوه و غذاهای شیرین شرکت نمایند. درین جشن، مسابقه گاو بازی نیز در مزارع متداولست ولی کمتر اتفاق میافتد که گاوها ضربتی شدید بیکدیگر بزنند. درین جشن پسران و دختران موقعی بدست میآورند که باهم برقصند زیرا در موارد دیگر چنین اجازه ای ندارند.

یکی از جشنهای بزرگ ساکنان تپه های Khassi رقصی است بنام Nongkrem. درین جشن، راهبه معبد بزی قربانی میکند و درحالی که روستائیان میرقصند خاکستر قربانی را به مقبره روستا میبرند و راهبه، رقاصان

رقص محلی آسام





### رقص محلی تپه‌های مانپور

را که ۲۲ تن هستند رهبری می‌کند. رقصان خود را با خر مهره و صدف زینت میکنند و شمشیر بدست میگیرند. پس از برگزاری مراسم مذهبی، رقصان بخانه راهبه که حیاطی بزرگ دارد مراجعت میکنند و در آنجا نیز زنان و مردان در رقص شرکت می‌کنند. سپس مردان بتنهائی میرقصند و این رقص که نوعی شمشیر بازیست بچنگ زرگری شباهت دارد.

مردم Sylhet که بسیار مشتاق تماشای رقص هستند پسران رقص را که گاتو (Ghatu) نام دارند برای این کار اجیر میکنند که بخانه آنها یابند و شادی مهمانان شان را فراهم آورند. اهالی سورما (Surma) نیز علاقه زیاد بر رقص دارند و برای این کار مسابقه قایق رانی ترتیب میدهند و یکی از پارو زنان در میان کرجی میایستد و بهمراهی آواز خود و سنجی که مینوازد بر رقص مشغول میشود.

رقص دیگر که مهارت بسیار میخواهد رقص چاقو نام دارد (Kukri). درین رقص چاقوهارا باریسمان با تنهائی دیرک بلندی میبندند و در همان حالی

که رقص مشغول چرخیدن است دیرک را بچابکی تاب میدهد و باید مواظب باشد که چاقوها باو صدمه ای نزنند.

مردم تپه‌های ناگا (Naga) رقصهای مختلف دارند که اغلب جنبهٔ رزمی دارد. درین رقصها لباسهای مخصوص میپوشند و آوازی میخوانند که از زمانهای بسیار قدیم بیادگار مانده است ولی کلمات را حتی خودشان هم نمیفهمند مگر تنی چند از سالخوردگان قوم که بآن آشنائی دارند. جنگجویان «ناگا» بالباسهای تشریفاتی و رسمی خود منظرهٔ باهیبتی دارند و همه ساله در جشن



رقص ناگا (Naga)

بهاری پدیدار میشوند درحالی که دردست چپ زنبیل‌های روکش‌داری میگیرند که باشاخ‌گاو کوهان‌دار تزیین شده و این نشانه‌ای از شکارهاییست که در مدت سال نموده‌اند. دردست راست آنها هم نیزه‌ای دیده میشود که به این وسیله شکارچی بودن خود را نشان میدهد. زیورهای برنجی بسیار نیز بخود می‌آویزند و رقص آنها نوعی از نیزه‌پرانی است که تنها ورزش مردم این ناحیه است. همین که جشن بهاری نزدیک میشود پسران باشوق بسیار خود را برای رقصهای تشریفاتی آماده مینمایند و ساعات زیاد صرف میکنند که با هرچه بدستشان میرسد برای خود لباسی شبیه مردان جنگجو فراهم آورند. زنان هم دست بدست میدهند و بی آنکه خسته شوند میچرخند.

استان «اوريسا» رقص معروفی بنام (Chow) دارد  
 رقصهای بيهار و (چو بمعنی ماسک است) که همه ساله در جشن بهاری  
 اوريسا بيورد اجرا گذارده میشود . این رقص بامراسمی  
 Bihar - Orissa مخصوص در معبد شیوا انجام میگردد و روز فرخنده  
 آن که برای حاکم محل بقال نیک گرفته میشود قبلا  
 توسط بزرگ مذهبی قوم تعیین میگردد . بعد از انجام مراسمی که سه روز  
 طول میکشد دروازه های قصر مهاراجه بروی رقصان باز میشود و مردم قصر  
 نیز در رقص شرکت میکنند . درین رقص وظیفه زنان را پسران خوش صدا  
 انجام میدهند و این پسران را از سن پنج سالگی برای آواز و رقص آماده  
 مینمایند . در پایان رقص، پرچمی برسم تشویق بهترین دسته رقصان از طرف  
 مهاراجه داده میشود و این پرچم تا آخر سال در نزد آندسته که در رقص مهارت  
 بیشتری نشان داده و جایزه را برده است باقی میماند و سال بعد بدسته برنده  
 تحویل میشود . برای انجام این مراسم، هزاران نفر از اطراف بمحل رقص  
 که جایگاه بزرگ است رو میآوردند . ضربات برصدای طبل آغاز رقص را  
 اعلام میکند و پنج شب متوالی رقص و موسیقی ادامه دارد . رقصان ماسک دار،  
 خاطره ای از افسانه های باستانی را بیاد میآوردند . این ماسکها از چوب یا مقوایست  
 که بسبک خاصی ساخته شده است ( نظیر پاییه ماشه Papier maché ) و  
 مردم آن سامان درین صنعت مهارت مخصوص دارند . رقصها یک نفری و  
 دو نفری و دسته جمعی است . یکی از رقصهای سولو غم و غصه شیوا را در  
 مرگ همسر خود ساتی (Sati) مجسم میکنند . رقص دیگری بنام مایورا  
 (Mayura) شادمانی طاوس را هنگام باران نشان میدهد . نوع دیگری  
 موسوم به Dhibara رقص ماهی گیری است . رقصی بنام کورانگا (Kuranga)  
 ترس و وحشت گوزن را هنگام طوفان مجسم میکند . رقص دو نفری  
 Astra - dwonda رقص شمشیر است و رقص Chandra - bhaga داستان  
 عشق پسر خدا بزنیست که او را دنبال میکند ولی بوی دسترسی نمی یابد  
 زیرا باوقیانوس فرو میرود . یکی هم رقص رادا کریشناست که داستان عشق  
 دودلداده را نشان میدهد .

یکی از رقصهای مردم ناگ پور (Nagpur) رقص عروسی است که



رقص زنان بهوجیما (Bhoomija) در ناحیه اوریسای (Orissa)

از اساطیر قدیم سرچشمه گرفته و بر سه نوع است: عروسی خیالی - عروسی انسانی - عروسی مادر زمین با خدای آفتاب.

رقص دیگر مخصوص جشنی است بنام هولی (Holi). درین عید انواع رنگها از قرمز و زرد و آبی و امثال آن میسازند و بر روی یکدیگر میپاشند. درین جشن مردم روستا از بامداد برای شکار بطرف جنگل میروند و شب هنگام مراجعت میکنند و در پندیرائی و مهمانی شرکت مینمایند. مردان آواز میخوانند و زنان با آنها جواب میدهند و بنوبت میرقصند و موضوع گفتگو مربوط بکامیابی شکارچیان است. عید «هولی» در تمام نقاط هند گرفته میشود و در آن روز معین عبور از خیابانها بی خطر نیست زیرا ممکنست لباس آدمی رنگی شود هرچند مردم هند بسیار مؤدب هستند و بطرف خارچیان رنگ پاشی نمیکند. مردم هند لباسهای رنگی خود را روز بعد بقرا میدهند.

مردم Juang رقصهایی دارند که نمونه زندگی گانسی حیوانات وحشی مانند خرس، خوک، لاک پشت و کبوتر را نشان میدهد. رقص دیگر است که در موقع عروسی پیش میآید باین ترتیب که مردان خود را بصورت جنگجویان در میآورند و شمشیر و سپر چوبی بدست میگیرند و چنین وانمود می کنند که

عروس را بزور بخانه داماد میبرند. عروسی هندیان تشریفات تماشائی خاصی دارد. برخلاف رسم ما عروس از داماد خواستگاری میکند و در شب عروسی داماد سوار اسب شده بخانه عروس میرود و رسوم بسیاری در آنجا بعمل میآید و روز بعد عروس را بخانه داماد میبرند.

رقصهای دیگریست که عملیات عادی روستائیان را نشان میدهد. مانند رقص Karam که دارای لطف و زیبایی طبیعی است و بشکل ستون یادسته‌های جداگانه مردان و زنان انجام میگیرد. مردان بزمین زانو میزنند در حالی که دختران پیش میآیند و بازوهای خود را پیش و پس میبرند بهمان طرزى که شلتوك درو میکنند.

مردم سانتال (Santhal) رقص‌های ابتدائی خود را بصورت زیباتری در آورده و از خود ذوق و ابتکار نشان داده‌اند. از جمله رقصی دارند که در شبهای مهتاب انجام میدهند: پس از نواختن طبل که شروع رقص را اعلام میکند دختران در زیر درخت بزرگ «بانایان» جمع میشوند. لباسهای آنها در بهار با گل و در زمستان با پر مرغ زینت شده است. در همین موقع پسران هم با آلات موسیقی خود در مزارع برنج اجتماعى تشکیل میدهند. دختران با هم شوخی میکنند و آرایش خویش را تسکیمینمایند. پسران پیش میآیند و رقص را آغاز میکنند. دختران خطی را تشکیل میدهند و دوبند و بازو بهم میدهند. خط دختران با حرکات دلفریب سر و بدن پسران نزدیک میشود ولی با آنها مخلوط نمیگردد. گاهی پس از پایان رقص نزدیک یکدیگر میآیند و گفتگوی دوستانه شروع میکنند.

تنها آلت موسیقی مردم Angul سازيست بنام پلکا (Pleka) که سه سیم دارد. دسته این ساز از چوب خیزران است که در دو طرف آن کاسه‌ای

۱ - بانایان (Banayan) درختی است بزرگ که از شاخه‌های آن ریشه‌های فرعی سرازیر میشود و بزمین فرو میرود و از هر یک از این ریشه‌ها درختی دیگر سبز میشود. در باغ نباتات کلکته یکی از انواع بسیار بزرگ این درخت دیده‌ام که ۸۸ فوت ارتفاع دارد و محیطی را که در حدود یک هزار فوت میباشد در زیر سایه خود گرفته است. این درخت دارای ششصد ریشه فرعی است که از بالا بیابین آمده و نو از آن سر بر کشیده است. جمعی کثیر میتوانند در زیر سایه‌های این درخت نینند و روزی را بخوشی بگذرانند.

از کدو متصل است . این آلت موسیقی را برای نواختن سرودهای عاشقانه  
 بکار میبرند . برای اجرای رقص، دختران دست بدست داده دایره‌ای تشکیل  
 میدهند و پسران دایره بزرگتری در دور آنها درست میکنند و هر دو دسته در  
 هنگام رقص بخواندن آواز مشغول میشوند . رقصی است بسیار ساده و  
 طبیعی که با دست زدن و چرخاندن بدن و بصدا در آوردن خلخالها توأم میباشد .  
 در کوراپوت (Koraput) در فصل بهار، زنان شاخه‌های پر از گل  
 را بدست میگیرند و میرقصند . رقص جاترا (Jatra) نیز نوعی از جنگ  
 زرگریست که در میان مردم دوده‌کده انجام میگیرد . مردها دیرک‌های بلند  
 در دست دارند که بسر آنها طنابهایی حلقه زده‌اند و چو بهار چنان میچرخانند  
 و بسوی یکدیگر میروند که بیننده تصور میکند جنگ حقیقی در گرفته است .

(دنباله رقصهای محلی در شماره آتیه)



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی